

اعلامیه مطبوعاتی

در رابطه با 53مین کنفرانس امنیتی در شهر مونیخ!

(ترجمه)

به تاریخ 14-16 فوریه 2020م در شهر مونیخ جرمنی، اشخاص مهم از بخش‌های علوم سیاسی و انجمن مدنی گردهم آمدند تا در کنفرانس سالانه امنیتی، شرکت کنند. این کنفرانس تحت عنوان "عدم نظام غربی" برگزار شد تا یکبار دیگر راجع به زوال نظم لیبرال جهانی، که بعد از جنگ جهانی دوم حاکم شده بود، بحث گردد. با وجود مغایرت فکری در ساختار استراتژی جرمن‌ها؛ سخن‌رانی‌هایی که توسط نماینده‌های جرمنی تهیه شده بود، ابتدا توسط رئیس‌جمهور «فرانک والتر ستیمیر»، سپس؛ وزیر امور خارجه، «هیگوماس» و در اخیر با سخن‌رانی وزیر دفاع، «انگرت کرامپ کرنباور» خاتمه یافت. تمام سخن‌رانی‌ها میزان خطر وابسته‌گی به مسیر سیاست‌های امنیتی و خارجی جرمنی را نشان می‌داد.

رئیس‌جمهور «فرانک والتر ستیمیر» با ظرفیت و موقف بلندش، خلاصه سیاست‌های امنیتی و خارجی جرمنی را طراحی کرد. وی ابتدا بالای تغییر ساختار عمومی سیاست‌های بین‌المللی تمرکز کرد که در عوض بالای موضوعاتی که برای مدت‌ها برای کشور لازمی می‌دانست، دچار تردید گردیده، چنین گفت: "من می‌ترسم ازین که امروز شاهد عوامل مخرب سیاست‌های جهانی هستیم." وی هم‌چنان افزود: "با مفکوره رقابت میان قدرت‌های بزرگ؛ نه تنها، سندهای استراتژیک را شکل دادند؛ بلکه واقعیت را که ما در آن زیست‌داریم نیز در اختیار گرفته‌اند." بعد از روسیه و چین نزدیک‌ترین هم‌پیمان جمهوری فدرال جرمنی امریکاست و حالا این هم‌پیمان نزدیک، مفکوره جامعه بین‌المللی را رها کرده است. همان‌طوری که وی گفت: "مفکوره محدود نشنلستی، ما را به سمت تله‌های جدید امنیتی، رقابت سلاح هسته‌ای و افزایش درگیری‌های منطقوی کشانده و منجر به ناکامی و شکست مسایل بزرگ‌بشری توسط عمل‌جمعی مشترک، خواهد گردید." بر اساس گفته‌های وی: "کشور جرمنی هنوز هم توسط دوستان‌اش محصور شده، اما اتحادیه اروپا با چالش‌های بزرگی مواجه‌ست. اگر امروز نگاهی بر اتحادیه اروپا اندازیم، چندگانگی اقتصادی را به عوض هم‌بستگی و افزایش شکسته‌گی‌های ایدئولوژیک و سیاسی را مشاهده می‌کنیم. برعکس گذشته؛ نمی‌توانیم سال 2020 را با فرضیه‌منطقی که قدرت‌های بزرگ تمایل بر تجزیه موفقانه اروپا دارند، آغاز کنیم. برعکس این مسئله؛ هر بازی‌کن اصلی دنبال منافع شخصی خویش است، حتی اگر به قیمت از هم‌پاشی اتحاداروپا تمام شود و این پیش‌رفت خوبی برای ما نیست." همان‌طوری که وی گفت باید در هردو بخش پیش‌رفت و تمرکز صورت گیرد: ادامه وفاداری به مفکوره جامعه بین‌الملل، تلاش برای ایجاد نظام قانونی بین‌المللی و تقویت اروپا من‌حیث ساختار غیر قابل‌اجتناب برای اثبات حضور جرمن‌ها در جهان.

در یک سطح داینامیک، نایل شدن به این پالیسی امنیتی و خارجی، تنها از طریق تقویت پیمان‌اتلانتیک و پالیسی عمومی امنیتی و خارجی اتحادیه اروپا امکان پذیر است. آقای ستیمیر گفت: "برای جرمنی پیش‌رفت مؤثر اتحادیه اروپا، در بخش سیاست دفاعی همانند توسعه ستون‌های اروپا در پیمان، حتمی‌ست." وزیر خارجه «هیگوماس» و وزیر دفاع «انگرت کرامپ کرنباور» گفتگوها در مورد استراتژی دوجانبه را از سرگرفتند. وزیر خارجه، آقای «ماس» با حمایت از آماده‌گی‌های بیشتر به شمول تلاش‌های نظامی جرمنی چنین گفت: "البته که من در باره ساخت امنیت اروپا و انجمن دفاعی به‌حیث ستون‌های قوی اروپایی با ناتو فکر می‌کنم و این همان چیزی‌ست که با جدیت‌تمام همراه با کشورفرانسه در حال کار هستیم و پیشنهاد رئیس‌جمهور «مکرون» برای مذاکرات استراتژیک در این رابطه را می‌پذیریم. اما این اشتراک‌نظامی باید منطق سیاسی مشخصی را دنبال کند. بدون

دیپلوماسی، بدون استراتژی مشخص سیاسی و بدون ایجاد توانمندی‌های نظامی در موقعیت‌های یکسان، ریسک بزرگی وجود دارد که عملیات نظامی، کارا و مؤثر نباشد و بدتر از همه این که می‌تواند باعث افزایش بحران در منطقه گردند." اظهارات وزیر دفاع قبلی جرمنی، «پیتر سترژوک» دال بر خط‌پهناور این موضوع بوده که چنین گفت است: "استحکامات امنیتی جرمنی هم‌چنان در کوه‌های «سند هند» رخ می‌دهد. حالا این خط‌پهناور باید وسیع گردد؛ زیرا استحکامات امنیتی جرمنی در عراق، لیبیا و ساحل، هم‌چنان در میز مذاکرات نیویارک، جینیوا و بروکسپل نیز صورت می‌گیرد. هم‌چنان کشور جرمنی و اروپا نیاز دارد تا لنگر بزرگی در توازن سیاست‌های بین‌المللی ایجاد کند." این‌ها سخنان وزیر دفاع «انیگرت کرامپ کرنباور» بود. این مسئله، نه تنها در زمینه رقابت مستمر میان آمریکا و چین ضرور است؛ بلکه با توجه به مناطق هم‌جوار جنوبی اروپا مانند آفریقا و خاور میانه نزدیک نیز حایز اهمیت می‌باشد.

خطوط‌پهناور سیاست‌امنیتی و خارجی جرمنی نمایان‌گر واکنش‌های شدید است. از یک طرف، دولت جرمنی می‌خواهد کارهای جدیدی مانند گفتگوی استراتژیک با مکرون رئیس‌جمهور فرانسه را به منظور ایجاد سیاست‌امنیتی و خارجی مستقل اروپا، آغاز کند. اما، پالیسی دفاعی مستقل به دلیل مخالفت کشورهای شرقی اروپا در معرض ناکامی است، هم‌چنان ممکن است رقابت‌های تاریخی دوباره از نو شروع شود. قسمی که در یکی از تازه‌ترین تحلیل‌ها در ژورنال سیاست‌های بین‌المللی و اجتماعی بیان شده است: "دیدگاه کشورهای جرمنی و فرانسه برای ایجاد توانمندی‌های دفاعی اروپا، بدون وابسته‌گی به آمریکا، ترسی را میان حکومت پولند ایجاد خواهد نمود تا مبدا کشور جرمنی کنترل تمام اروپا را در اختیار گیرد." در عین زمان، کشور جرمنی در جستجوی تقویت پیمان‌ناتو با آمریکا، با ثبات‌ساختن پالیسی امنیتی و خارجی اروپا به‌حیث ستون‌های اروپا در ناتو می‌باشد. بنابراین، تنازع و اختلافی که در نتیجه این مسئله با کشور فرانسه به وجود خواهد آمد، به احتمال زیاد این پروژه را قبل از آغاز به سمت ناکامی خواهد کشاند. هم‌چنان مذاکرات جاری در مورد مداخله یک طرفه اروپا در خلیج‌عرب، استقلالیت پالیسی آمریکا در مقابل ایران (فشار بیش از حد) ضد و نقیض بودن منافع و مصالح را منعکس می‌سازد که یقیناً مقدمه تنش‌ها و اختلافات بعدی ناشی از نظام‌های ائتلافی متضاد می‌باشد.

برعلاوه؛ ردیابی مسیر منافع در حال‌گرو جرمنی، این کشور را در مناطق خاورمیانه نزدیک و خاورمیانه را هم‌چنان در قاره آفریقا با استراتژی ناکام مواجه می‌سازد. کشورهای هم‌جوار بحر اروپا که سرزمین‌های اسلامی می‌باشد؛ آمریکا و فرانسه را به‌حیث قدرت‌های دشمن می‌شناسد که در صدد حفظ قدرت، گسترش نفوذ، حصول منافع اقتصادی و تطبیق پلان‌های سیاسی خویش در محدوده آیدئولوژی و فرهنگ هستند. اگر پالیسی امنیتی و خارجی جرمنی در دام‌های آمریکا و مداخلات فرانسه بدون تغییر باقی بماند، بدون شک مانند جنگ‌های جاری در سرزمین‌های اسلامی همانند افغانستان، عراق و کشور مالی نیز ناکام خواهد ماند. ضمناً؛ دلیل اصلی جنگ‌های خطرناک در سرزمین‌های اسلامی، تحمیل نظام‌حکومتی بیگانه بعد از جنگ جهانی است که کاملاً هویت و شیوه زنده‌گی اسلامی را صدمه زده است. در جریان حوادث انقلاب بهار عرب، از استراتژی پردازان وزارت خارجه جرمنی توقع می‌رفت تا شکست همه‌جانبه نظام‌های فعلی در جهان اسلام را درک می‌کردند و پی می‌بردند که حصول ثبات سیاسی در منطقه تنها با تأسیس دولت اسلامی واقعی امکان پذیر است. این را بدانید که سیاست خارجی ظالمانه با حمایت و دفاع از ارزش‌های غربی در عراق، لیبیا و ساحل منجر به ثبات کشمکش‌های جاری و احتمالاً به انهدام آبرومندان جرمنی، در منطقه خواهد شد.

برخلاف این پس زمینه؛ حزب‌التحریر در کشورهای آلمانی زبان، فوراً تصمیم‌گیرنده‌گان فدرال سیاسیِ جرمنی را در برابر گسترش فعالیت‌های نظامیِ جرمنی در سرزمین‌های اسلامی، هشدار می‌دهد. کشور جرمنی ازین که برای شکار منافع شخصی‌اش از میان تنش‌های امریکا و فرانسه، به حیث شریک در لانه‌های بازی سیاسی امریکا ظهور کند، به‌ترست که استراتژیِ شخصی خود را توسعه دهد تا خود را از وابسته‌گی فعلی در ساختارهای ائتلافی و مسیرهای سیاسی دیگر کشورها، آزاد سازد. کشور جرمنی به خاطر داشتن پیمان تاریخی با خلافت‌عثمانی، دارای توازن روابطی است که در مقایسه با امریکا، فرانسه، بریتانیا، روسیه و چین منافع استراتژیکی‌اش بیشتر در آن نهفته است. بر اساس نظریهٔ یک‌جانبی که برای ایجاد فاصله در سیاست‌های بین‌المللی آغاز شده است، کشور جرمنی باید استراتژیِ را طرح کند تا از چالش موجوده نجاتش داده و قادر به تشکیل روابط خوب و مستمر با سرزمین‌های اسلامی هم‌جوار آن سازد.

دفتر مطبوعاتی حزب‌التحریر-کشورهای آلمانی زبان

شماره صدور: 1441/03

1 شعبان 1441 ه.ق

25 مارس 2020 م

مترجم: عبدالله صالحی